

مثنوی معنوی نولکشوری[♦]

سید امیر حسن عابدی

منشی نولکشور^۱ به اسلام خدمت بزرگی کرده و کتاب‌های بی‌شمار عربی و فارسی و اردو را انتشار داده، یعنی کتاب‌های مهمی را بارها به چاپ رسانده است. از میان آن‌ها مثنوی مولانا روم است که سه بار انتشار یافته است. به علاوه هر وقت که یک کتاب از چاپخانه بیرون می‌آمد، شعرای وقت تاریخ انتشار آن را می‌سروده‌اند. از یک نسخه چاپی مثنوی معنوی که در سال ۱۳۰۱ هـ/ ۱۸۸۴ م. انتشار یافته، معلوم می‌شود که این تصنیف قبلاً در ۱۲۸۲ هـ/ ۱۸۶۵ م. انتشار یافته و «فخر ماجد منشی کالکا پرشاد متخلص به «موجد» ده تاریخ هجری و یک میلادی سروده است. مثلاً می‌گوید:

تاریخ بگفت سرّ عینی (۱۲۸۲ هـ).

علاوه بر موجد، شعرای ذیل هم تاریخ هجری یا میلادی طباعت کرده‌اند:

۱. «خوشنویس عدیم‌المثال، شاعر معجز مقال، صاحب خیالات‌اللطیف منشی اشرف علی اشرف».
۲. «شاعر شکر فشان، طوطی گلزار هندوستان، منشی طوطی رام مرحوم متخلص به «شایان»».
۳. «شاعر پخته کلام، اوج سخن را ماه دو هفته، منشی هر گوپال متخلص به «تفته»، تلمیذ رشید مولانا غالب دهلوی».

♦ بخشی از مقاله استاد عابدی، استاد ممتاز فارسی دانشگاه دهلی، دهلی. ۱. ۱۸۳۶-۱۸۹۵ میلادی.

۴. "ناشر رنگین کلام، منشی خیالی رام متخلص به «خیالی»، شاگرد رشید مولوی احسان الله ممتاز".
۵. "شاعر معرفت آگاه، تصوف دستگاه محو عشق الله باقی، شیخ محسن علی متخلص به «ساقی»".
۶. "شاعر نیر طبع سید مؤمن حسین متخلص به «صفی»، تلمیذ رشید شیخ مهدی علی ذکی".
۷. "همپایه قدسی و کلیم، میرزا اصغر علی خان متخلص به «نسیم دهلوی»".
- از تاریخ ذیل پیدا می‌شود که مثنوی نام‌برده در سال ۱۲۹۱ هـ/ ۱۸۷۴ م. هم انطباع یافته است:

بطبع شد مونس جان مثنوی (۱۲۹۱ هـ).
گذشته از این تواریخ "همپایه طوسی و کلیم"، محمد انوار حسین تسلیم سهسوانی، در طبع سابق تقریظ ذیل نوشته بودند:

"کردگاری که مشت خاک را ادراک بخشید، زمین را ساکن و ملک را متحرک
آفرید... سزاوار ثنا و ستایش ست و لایق محمد و نیایش... مثنوی معنوی... بار
ثالث به ماه سپتامبر ۱۸۸۴ عیسوی مطابق شهر ذیحجه سنه ۱۳۰۱... طبع فرمود..."

یکی از مزایای مثنوی نولکشوری این است که خود منشی نولکشور در تجلیل مثنوی معنوی، مثنوی ذیل را سروده است. پس منشی نولکشور فقط ناشر یا طابع نبوده، بلکه شاعر و صاحب ذوق و فارسی‌دان عالی و برجسته هم بوده است:

حمد نذر کبریای ذوالجلال نور او شمس منزّه از زوال

*

نور آل پاک و اصحاب کبار عکس مهر از آینه شد بر جدار

*

بی‌ادب را گو بخلوت بار نیست جای تو بردار شد حد دار نیست

*

هم غلط کردم که گفتم دار بود نردبان دار آن دلدار بود

*

شد پسند خاطر از بدو شباب یا کتاب حسن یا حسن کتاب
 *
 همدمی مردم اهل کمال هست منظور دلم فی کلّ حال
 *
 بهر آن طبع مطابع کرده‌ام کاملان عصر گردآورده‌ام
 *
 مقصد من صحبت اهل فن است زین تجارت بس همین نفع من است
 *
 همچو احیا بس مطول نسخه‌ها منطبع گردید با حسن وصفا
 *
 حق پرستان مذاهب اجمعی محترم اندر ضمیر حق‌گزین
 *
 زان سبب شد با دلای مولوی طبع من مشتاق طبع مثنوی
 *
 گشت از تأیید رب ذوالمنن اهتمام طبع بر وجه حسن
 *
 نسخه‌ها با صد تلاش آمد بهم کانچنان چشم فلک هم دیده کم
 *
 هر قدر بودست امکان نظر گشته در تصحیح امعان نظر
 *
 کاغذ و طبع و کتابت اندرین شد مهیا جمله قسم اولین
 *
 آن‌چنان کامد به‌هندوسان ز روم باز تا رومش برند اهل فهم...